

تحلیل روز

از بخشنامه نصفه و نیمه مبارزه با رانت میلیاردی تا عوام فریبی تبلت‌های میلیونی

عابدین سالاری اسکر – سردبیر هفته‌نامه پدیده شهر

فرد A- پیمان‌کار شهرداری یا شهروندی که ملک وی در نتیجه طرح‌های توسعه شهری تملک شده است- از شهرداری طلب مالی دارد، فرد B- شهروندی که برای عوارض ساخت‌وساز ملک خود باید به شهرداری پرداخت مالی کند- را در نظر بگیرید. قاعده منطقی این است که پروژه مربوط به فرد A بر اساس معیارهای اقتصادی و عمرانی با هزینه‌های مناسب انجام شود و بعد از پایان و تحویل پروژه به صورت نقدی حق‌و‌حقوق خود را از خزانه شهرداری دریافت کند.

فرد B نیز برای پرداخت عوارض ملک خود به شهرداری مراجعه کرده و بعد از محاسبات قانونی مبالغ آن را در حساب‌های رسمی خزانه شهرداری واریز نماید. از زمانی به بعد (گفته می‌شود سال‌های ۸۵-۸۶) مدیریت شهری تصمیم دیگری اتخاذ می‌کند. بر اساس تصمیم جدید، به فرد B که برای پرداخت عوارض خود به شهرداری مراجعه کرده است، گفته می‌شود که لازم نیست پول نقد عوارض به حساب خزانه واریز شود. به فرد A هم توصیه می‌شود که طلبت را به‌صورت غیرنقدی دریافت کن؛ البته دریافت نقدی به دلیل محدودیت‌های مالی شهرداری صرفا برای عده محدودی امکان‌پذیر است. تا این‌جای داستان، توصیه به دریافت غیرنقدی طلب تبدیل به یک رانت برای معاون مالی-اداری یا شهردار منطقه و فرد طلب‌کار می‌شود. در نتیجه، تهاتر به‌عنوان راه‌حل دریافت طلب از فرد بده‌کار و پرداخت بدهی طلب‌کار موضوعیت پیدا می‌کند. شهرداری برای اینکه فرد A و B به هم تلافی پیدا کنند، در ابتدا (سال‌های اولیه) برخی افراد -که چهره‌های معروفی هستند- به‌عنوان نقش کارگزار (جفت‌دهنده این معامله) و بعدا شرکت‌هایی با مشارکت بانک‌ها به عنوان کارگزار تاسیس می‌نماید که در واقع نقش واسطه را بازی کنند (بخوانید مانند نقش بنگاه املاک مسکن).

حال فرض کنید همان فرد A، ده‌میلیارد تومان بابت ارائه خدماتی(مثلا پروژه عمرانی) به شهرداری طلب دارد، این فرد به شرکت کارگزاری معرفی می‌شود و از شرکت تقاضای پول نقد می‌کند. شرکت کارگزاری مبلغ دو میلیارد تومان از این مبلغ را کسر کرده و ۸ میلیارد تومان به وی پرداخت می‌کند (طلب‌کار بابت اینکه توانسته طلب خود را وصول کند خوشحال می‌شود).

شرکت کارگزاری این ۸ میلیارد را از کجا می‌آورد؟ شهرداری منطقه از فرد B (که به شهرداری بدهکار است) می‌خواهد که پول عوارض خود را به جای واریز در خزانه رسمی شهرداری به حساب شرکت واگذاری واریز نماید. یعنی در واقع این پول توسط فرد B تامین شده است.

سازمان املاک شهرداری برای نهایی کردن این فرایند به ارزش ۸ میلیارد تومان هولوگرام برای فرد B صادر کرده و در نتیجه با طلب فرد A کارسازی و برابرسازی می‌شود. در روش بالا فرد B نه سود می‌برد و نه زیان، اما روش‌های خاص دیگری نیز وجود دارد که بر اساس آن فرد B کمتر از ۸ میلیارد تومان پرداخت می‌کند یعنی در واقع برای فرد A و B و شرکت کارگزاری برد – برد خواهد بود (این روش مخصوص آدم‌های خاص است.) (این یادداشت را که می‌نوشتم، یاد جملهٔ روشن‌فکری افتادم که می‌گفت در جوامع توسعه‌یافته دعوی نخبگان بر سر بزرگ کردن «کیک اقتصاد» برای همه ی آحاد جامعه هستند ، اما در جوامع غیرتوسعه‌یافته دعوی نخبگان سر سهم‌بری بیشتر از «کیک اقتصاد» برای خودشان است.)

معنای آنچه در پروسه تشریح‌شده در بالا آمد، این است .

۱- احتمالا پروژه‌های عمرانی با هزینه بالاتر از حد معمول و منطقی انجام شده است.(رانت اول)

۲- زمانی که پول به حساب رسمی خزانه شهرداری نمی‌رود یعنی برنامه و بودجه سالیانه مصوب شورای شهر تعطیل (فساد اول)

۳- مبلغ بزرگ و قابل توجهی پول -هزاران میلیارد تومان در طی این سال‌ها- در این میان بدون ردگیری و صرفا بر اساس کارسازی و سندسازی در این شرکت‌ها به جیب عده‌ای خاص رفته است. (رانت بزرگ)

حال شهردار جدید تهران به گفته ی خودش «به‌منظور رفع ابهامات و اشکالات صدور و کارسازی هولوگرام»، دستورالعمل‌بندیی صادر کرده است. آنچه که در عملا در نتیجه صدور این بخش‌نامه اتفاق می‌افتد به صورت زیر است:

۱- یک ایست یا توقف برای صدور هولوگرام ایجاد می‌شود؛ این مسئله به‌این معنا است که به عنوان مثال اگر فرض کنید در منطقه یک ۱۵۰ نفر کار اصلی ساخت‌وساز را انجام می‌دهند تعدادی از این‌ها که هولوگرام در دست دارند بالاتکلیف می‌شوند.

۲- بر اساس این دستورالعمل بنا بر این است که در خصوص هولوگرام‌های قبلی راستی‌آزمایی شود. این می‌تواند بخشی از زوایای پنهان این پدیده را در صورت درست‌تعمیل‌کردن روشن سازد.

۳ -قوی‌ترین و اثربخش‌ترین بند این دستورالعمل، بند شماره ۳ یعنی واریز بدهی مودیان به حساب خزانه شهرداری می‌باشد.

تا این‌جا مسئله قابل تقدیر و قابل‌پذیرش است، اما نکته یا سؤال کلیدی این است که آیا تا این حد برخورد با مسئله را می‌توان «بخش‌نامه ضدفساد شهردار» نام نهاد؟ پاسخ این است که خیر!ا به عبارت روشن‌تر اگر اقدامات تکمیلی صورت نگیرد اطلاق این عنوان ناقص است.

اگر بنا باشد بعد از کشف میزان هولوگرام‌ها و افراد و جریانات پشت این قضیه بعدا همین روش در دوره شهرداری جدید با افراد و شرکت‌های جدید ادامه یابد، این بدین معنا است که به صورت ساختاری با فساد برخورد نشده است، بلکه صرفا جای ادم‌ها عوض خواهد شد. بنابراین می‌توان گفت اگر شهردار تهران به‌عنوان یک قدم تکمیلی «صدور هر گونه هولوگرام» را برای همیشه ملغی نماید، آن‌گاه اطلاق «بخش‌نامه ضدفساد و ضدرانت شهردار» زببندهٔ این اقدام خواهد بود.

این روزها که بحث خرید تبلت برای اعضای شورا تبدیل به اولویت اصلی برخی افراد و جریانات شده است ، به نظرم رسید مقایسه‌ای بفرمایید بین رانت میلیاردی تولید شده در فرایند هولوگرام‌ها و این-تبلت‌ها! آنگاه به این نتیجه می‌رسیم که که در مسئله مبارزه با فساد و رانت نباید عوام‌فریبی کرد.

نماینده امیر کویت در نشست مجمع عمومی سازمان ملل:

ایران از اقدامات تهدید کننده

امنیت منطقه دوری کند